



شناسایی شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد ذهنیت فلسفی در میان اساتید دانشگاه‌های آزاد اسلامی شهر تهران

احمدعلی پورنکی^۱، علیرضا عصاره^۲، معصومه السادات ابطحي^۳

چکیده

پژوهش حاضر باهدف شناسایی شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد ذهنیت فلسفی در میان اساتید دانشگاه‌های آزاد اسلامی شهر تهران انجام پذیرفت. این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی و همچنین، به لحاظ نوع داده‌ها، کیفی و برحسب زمان گردآوری داده، مقطعی و برحسب روش گردآوری داده‌ها و یا ماهیت و روش پژوهش، فراترکیب بود. جامعه مورد مطالعه شامل مبانی نظری و پیشینه مرتبط پایگاه‌های داده داخلی (۱۳۹۱-۱۴۰۲) و خارجی (۲۰۱۳-۲۰۲۳) بود. حجم نمونه حذف سیستماتیک بر اساس نمودار جریان مدل پریزما و روش نمونه‌گیری هدفمند بود. ابزار گردآوری داده‌ها اسناد کتابخانه‌ای بود. به منظور محاسبه روایی چک‌لیست ۲۷ موردی بر اساس مدل پریزما و برای محاسبه پایایی روش ضریب کاپای کوهن استفاده شد. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها تحلیل مضمون (مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر) بود. یافته‌ها نشان داد، ذهنیت فلسفی در میان اساتید دانشگاه دارای چهار بعد آگاهی و تمرکز، خلاقیت و نوآوری، ارتباط با فرهنگ و هنر، ارزش‌ها و اخلاق می‌باشد که بعد آگاهی و تمرکز دارای سه مؤلفه تسلط به دانش فلسفی با ۴ شاخص، برخورداری از دیدگاه منحصر به فرد با ۳ شاخص، توانایی بیان انتقال مفاهیم با ۳ شاخص بود. بعد خلاقیت و نوآوری دارای سه مؤلفه تفکر نوآورانه با ۴ شاخص، اتصال میان رشته‌ها با ۳ شاخص، تفکر بحرانی با ۴ شاخص بود. بعد ارتباط با فرهنگ و هنر با یک مؤلفه تفکر فرهنگی با ۱ شاخص بود. همچنین بعد ارزش‌ها و اخلاق دارای چهار مؤلفه تفکر اخلاقی با ۳ شاخص، پژوهش اخلاقی با ۱۵ شاخص، تعامل با ارزش‌ها با ۱۱ شاخص و توانمندی‌های اخلاقی با ۹ شاخص بود.

واژگان کلیدی: ذهنیت فلسفی، خلاقیت و نوآوری

^۱ کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش گرایش تعلیم و تربیت اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
^۲ استاد گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شهید رجایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) alireza_assareh@yahoo.com
^۳ استادیار، گروه مدرسه و نوآوری های تربیتی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران



امروزه یکی از مسائل مهم آموزشی مسئله روش تدریس است زیرا با پیشرفت جوامع از یک سو و شناخت علمی و عملی رفتار انسان اصول و روش‌های تدریس نیز دگرگون شده است از بین راهبردهای مختلف تدریس برخی از نظام‌های آموزشی از شیوه‌های فعال در تدریس که دارای پیامدهای مثبتی در امور آموزشی و تدریس می‌باشند (حیدری، ۱۴۰۲). اما با توجه به توصیه‌های مکرر از سوی اندیشمندان مختلف مشاهدات مکرر کلاس‌های تدریس در دانشگاه‌های کشورمان نشان می‌دهد که اکثر اساتید بیشتر زمان کلاس را صرف انتقال معلومات می‌کنند و به استفاده از روش‌های فعال گرایش ندارند، به نظر می‌رسد علت چنین گرایش را باید در شخصیت اساتید دانشگاه و ابعاد فکری آن‌ها جستجو کرد. زیرا تا زمانی که اساتید در پی کسب تفکر فلسفی و پرورش آن در خود نباشند نمی‌توانند تغییری در اندیشه و نگرش خود نسبت به مسائل از جمله روش‌های تدریس ایجاد کنند. آنچه در ذهنیت فلسفی^۱ مهم به نظر می‌رسد قواعد و قالب فکری افرادی است که نسبت به سازمان و مسائل آن دارند و همین مسئله بخش عظیمی از نگرش‌ها و چگونگی انجام فعالیت‌ها را در برمی‌گیرد. همان‌طور که یک عکاس یا کارگردان برای تهیه سوژه مورد نظر از طبیعت کادر مشخصی را در نظر می‌گیرد مدیر هم باید مرز سازمان و عناصر درون آن را مشخص نماید (بهرنگی، ۱۳۸۷).

بی‌شک در دنیای امروز دانشگاه‌ها بر جامعه از نظر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تأثیر مستقیم و غیرمستقیمی دارند (موحدی^۲، ۲۰۲۱). استاد موفق دارای ذهن فلسفی است. ذهنیت فلسفی ابزاری است برای کمک به استاد در تفکر خود، تا تفکری جامع، عمیق و انعطاف‌پذیر داشته باشد. این‌گونه تفکرات آنان را قادر می‌سازند تا در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کل مؤلفه‌های سازمان کمترین خطا را مرتکب شوند و ارتباط معقولی بین جامعه و سازمان ایجاد نمایند. از آنجاکه ارزش هر فرد به توانایی‌های او به خوب فکر کردن بستگی دارد. لذا ذهن فلسفی فرد را آماده می‌کند که با تفکر درست و منطقی پدیده‌ها را شناسایی نماید. با توجه به این موضوع ذهنیت فلسفی در عالی‌ترین سطح ذهنی، همواره مطرح و در نظر روان‌شناسان و ارزیابان است، لحاظ نکردن و کم‌توجهی به پدیده ذهنیت فلسفی مانع ارزیابی اصول و عقاید افراد مختلف می‌شود که این امر باعث ناکارآمدی و عدم بازدهی سیستم آموزشی می‌شود که در نهایت به دلیل مشارکت ضعیف و غیرمنطقی باعث ناهماهنگی در سیستم آموزش شده و باعث سست شدن چارچوب‌های عقلانی و دموکراتیک نظام جامعه می‌شوند (شکری و قره‌چایی، ۱۳۹۸).

شایان توجه است که با توجه به تفاوت میان ذهنیت فلسفی افراد مختلف است باعث تأثیرات و نتایج گوناگونی بر تفکر منطقی یا ذهنیت فلسفی مسئولین و اساتید و همچنین تصمیم‌گیری‌های آن‌ها می‌شود. همچنین کم‌توجهی به ذهنیت منجر به شکست و افت رهبران آموزشی در مواجهه با مشکلات می‌شود بدین معنا اگر مدیری و یا استادی از ذهنیت فلسفی پایینی برخوردار باشد در رسیدن به اهداف درازمدت، تعمیم خلاقیت و طیف وسیعی از انتخاب‌های منطقی، با مشکل روبرو خواهد شد (بهرنگی و یوسفی، ۱۳۹۹).

وقتی اساتید جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری فکری را در برخورد با مسائل نشان نمی‌دهند، امکان تعامل و همکاری با دیگر همکاران کاهش پیدا می‌کند. لذا دارا بودن ذهنیت فلسفی میان اساتید و همچنین مسئولین اهمیت بسزایی

1 Philosophic Mindedness
2 Movahedi



دارد.. حتی در نظر نگرفتن جامعیت فکری مانع ارتباط بخشی میان حوادث حال و آینده و درنهایت آینده‌نگری شده که در نگرش سیستمی آثار منفی به‌جای گذاشته چراکه مسئولین و اساتید آموزشی برای نیل به این هدف باید چهار مؤلفه اساسی نگرستن به موارد خاص در ارتباط با زمینه‌ای وسیع، ارتباط داده مسائل آنی به هدف‌های درازمدت، بکار بردن قدرت تعمیم و شکیبایی در تفکرات عمیق نظری مدنظر قرار دهند. جامعیت، نوعی کل‌نگری و دیدن امور در یک زمینه وسیع است که باعث می‌شود فرد همواره در جهت وحدت بخشیدن به اندیشه‌های خود تلاش کند. تعمق یعنی ژرف‌اندیشی و به پدیده‌ها با دید عمیق نگرستن است. اساتیدی که تعمق ضعیفی داشته باشد قادر به زیر سؤال بردن موارد مسلم و بدیهی، کشف و تدوین نظریات، سؤالات و فرض‌های بنیادی در موقعیت خاص، توجه ویژه به معانی تلویحی و ارتباط امور و قضاوت و حکمرانی به روش استنتاجی-قیاسی نیست. با توجه به این مطلب که انعطاف‌پذیری با نواندیشی، دیگر بینی و خلاقیت ارتباط مستقیم دارد و همواره به‌منظور اجرای باید تلاش‌های بسیاری انجام داد لذا اغلب افراد به دلیل تحت تأثیر قرار گرفتن فشارهای محیطی، عاطفی و روانی دچار نوعی تحجر فکری می‌شوند و ممکن است عکس‌العملی انجام دهند که متناسب با موقعیت موجود نباشند (شریعت مداری، ۱۳۹۸).

حال با توجه به مطالب گفته شده، محقق به دنبال پاسخگویی به این سؤال اساسی است که شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد ذهنیت فلسفی در میان اساتید دانشگاه‌های آزاد اسلامی شهر تهران کدام‌اند؟

۲. مبانی نظری پژوهش

ذهنیت فلسفی معادل روح فلسفی است و آن نوعی حرکت ذهن است که باعث می‌شود فرد در برخورد با مسائل و پدیده‌های مختلف با جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری مواجه شود. مدرسه یکی از تأثیرگذارترین نهادهایی است که می‌تواند فضای سودمندی را برای تفکر و اندیشیدن دانش آموزان فراهم آورد. قطعاً این سودمندی وقتی ارزش افزوده بیشتری خواهد داشت که آنان یاد بگیرند چگونه و با کدام شیوه‌ها می‌توانند آن را تحصیل و ارزیابی کنند (منصورآبادی و همکاران، ۱۴۰۰). آنچه مسئولان تربیتی در هر حوزه و سطحی باید بدانند این است که طراحی فضای اندیشیدن و تفکر به‌گونه‌ای باشد که عمدتاً "فرایند تفکر" برایشان اهمیت داشته باشد تا محصول آن. تفکر وابسته به موضوع است، به این معنا که "وجود موضوعی مسئله" مواد اولیه فرایند تفکر است. بنابراین مدارس باید در گام نخست عرضه‌کننده یا فراهم آورنده حقایق، واقعیات و موضوعاتی باشند که هم ارزش اندیشیدن را داشته باشند و هم برانگیزاننده و ترغیب‌کننده دانش آموزان به تفکر باشند. مدارس به‌عنوان جایگاه مناسب برای مساعدت در تسهیل و جهت‌دهی به تفکر باید بتوانند کودکان را یاری رسانند تا در مواجهه با مسائل و تفکر پیرامون حل آن، به این نکته توجه کنند که چگونه "بد را از بهتر" تشخیص دهند (مددی ماهانی، ۱۴۰۰).

از آنجاکه در «فرهنگ عامه» کلمات فهم، ذهن، حافظه، عقل، و کلماتی از این دست اغلب یگانه انگاشته می‌شود، ولی در میان فیلسوفان و جامعه‌شناسان و روانشناسان، کلمات مذکور هرکدام افاده‌های خاص خود را دارند، این مطلب شایسته است که با کنار هم گذاشتن هرکدام از این کلمات، بهتر می‌توان به معنای ذهن فلسفی و یا ذهنیت فلسفی دست یافت که در زیر به هر یک از آن‌ها اشاره می‌شود:



۱- عقل: آنچه از عقل^۱ می‌آید نه فقط بر منوال تعریف فلسفی و یا لغوی است ذکر این نکته بایسته است که گاهی اوقات تعریف یک مفهومی بر اساس یک باور صورت می‌گیرد؛ و این در حالی است که شاید این باور خیلی موردپسند اهل فن نیز نباشد. اما توجه به تلقی‌های عامه در بیان مفهومی، خود از شروط اساسی یک معرفت است. عقل نیز از این قاعده مستثنی نیست. در فرهنگ‌عامه‌ی مردم عقل را به سه معنی به کار می‌برند: « اول به معنی وقار و هیئت انسان؛ پس تعریف آن این است که عقل انسان را در گفتار و حرکات و سکنت و اختیار، محدود می‌کند. دوم به احکامی اطلاق می‌شود که انسان اکتساب می‌کند؛ پس تعریف آن این است که عقل عبارت از مجموعه معانی‌ای است که در ذهن گردآمده و همچون مقدماتی است که اغرض (غرض‌ها) و مصالح توسط آن ادراک می‌شود. سوم به معنی صحت فطرت اولیه در انسان است؛

پس تعریف آن این است که عقل قوه ایست که خوبی و بدی و نقص و کمال اشیاء را درک می‌کند» (علوی، ۱۴۰۲).
 ۲- حافظه: اصطلاح فلسفی « قوت حافظه» قوتی است که از خزانه وهم و نگهبان صور وهمیه است؛ حافظه هیچ ارتباطی باعقل نمی‌تواند داشته باشد؛ و اگر گفته می‌شود «خزانه‌ی وهم»، درست است که وهم در مراحل مؤید عقل است ولی عقل به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند مؤید وهم باشد. پس آنچه آدمی در حافظه دارد امور وهمی است نه عقلی (عسگری، ۱۴۰۱).

۳- فهم: اما پس از حافظه، در مجال فهم^۲ برای دریافت معنای دقیق ذهن فلسفی گفته اینکه، در عقل می‌گوییم: « فهمید او را و ادراک کرد و تدبّر کرد» این جمله توانایی آن را دارد که صورت تمام نمای فرق میان عقل و فهم باشد. به عبارت دیگر فهم مفعول عقل است. عقل فاعل فهم است. لذا نادرست است که عقل را بافهم یکی بگیریم. شاید علت یکی گرفتن این دو، بدان سبب است که علت و معلول در یک ظرف وجودی قرار دارند و این قرابت است که گاه دو چیز را یک‌چیز می‌انگارند و این هنر فیلسوفانه‌ی فیلسوف است که این دو را از هم متمایز می‌داند. (گودرزی و همکاران، ۱۴۰۰).

۴- ذهن: ساده‌ترین سخن درباره‌ی ذهن^۳ را در المقابسات ابوحنّان توحیدی می‌توان یافت. او به پرسش ذهن چیست؟ پاسخ می‌دهد: « تمییز خوب و نیک‌بین اشیاء را کار ذهن گویند » هرچند تعریف به فعل شده است، ولی می‌توان از این جمله‌ی ابتدائی دانست که مأخذ ذهن اشیاء است و سروکار ذهن با امور عینی است. البته این بدان معنا نیز نمی‌باشد که ذهن بسته در امور عینی باشد. بلکه قصد این است که دریافت امور با ذهن است و این دریافت می‌تواند از هر سنخی باشد. اما ذهن را قوه نیز گفته‌اند و این واضح است که ویژگی قوه، داشتن استعداد است؛ بنابراین، ذهن اساساً استدلالی است و همچنین موضع نقطه‌ای باشکوه، یگانگی ذهن و فلسفه است لذا، اینکه اگر فلسفه در فرد شکل می‌گیرد و ذهن قوه نفس انسان است که مدام در حال رشد است و در کار خود فهم را به اشتغال دارد و از ارتباط با حافظه مواد خام‌اندیشه را طلب می‌کند و توسط عقل، حکم کلی را می‌دهد و این نتیجه را می‌دهد که ذهن اصلاً و ابداً فلسفی است (عجم و مباشری، ۱۳۹۸).

1 - Intellect
 2 - Intellect
 3 - Mentality



فیلیپ جی اسمیت^۱ (۱۹۶۵) ذهن فلسفی را از سه بعد مرتبط، متشکل می‌داند که هر بعد نیز دارای چهار نشانه است:

۱- جامعیت^۲: در این زمینه فردی که دارای ذهن فلسفی است، امور مخصوص را در یک زمینه وسیع باهم مربوط می‌سازد. جامعیت از ما می‌خواهد که در برابر فشار آنی مقاومت کنیم و به مسائل خود، بر اساس هدف‌های درازمدت بنگریم. در انجام چنین کاری، قدرت تعمیم خلاق را به دست آورده و به کاربریم، ولی رشد یک شکیبایی برای تفکرات عمیق نظری، پیش‌نیازی برای آن است (منصورآبادی، ۱۴۰۰).

۲- تعمق^۳: در این زمینه نیز فرد دارای ذهن فلسفی، اموری را که دیگران بدیهی و مسلم فرض می‌کنند، مورد سؤال قرار می‌دهد، از راه ژرف‌اندیشی جنبه‌های اساسی مسائل را مشخص می‌سازد و در برخورد با هر نظریه یا مکتب، اصول یا مبانی آن‌ها را مشخص می‌کند.

۳- قابلیت انعطاف‌پذیری^۴: فردی که از ذهنیتی فلسفی برخوردار است، دچار جمود روانی نمی‌شود و مسائل تازه، شباهت‌های سطحی یا حوادث غیرمنتظره، جنبه منطقی فکری او را مختل نمی‌سازد.

چهار نشانه قابلیت انعطاف نیز عبارت‌اند از: ۱- رها شدن از جمود شناختی، ۲- ارزشیابی افکار و نظریات جدا از منبع آن‌ها، ۳- دیدن مسائل با جهات متعدد آن‌ها و ایجاد جانشین‌هایی برای فرضیه‌ها، جنبه‌های موردنظر، انتظارات و غیره، ۴- شکیبایی در قضاوت موقت و مشروط (خسرو پناه و همکاران، ۱۴۰۱).

همچنین برخی به جز مؤلفه‌های مطرح‌شده، مؤلفه‌های دیگری را تحت عنوان مؤلفه‌های ذهنیت فلسفی مطرح کرده‌اند. برخی از ویژگی‌هایی که آن‌ها برای تفکر فلسفی ارائه داده‌اند، با ویژگی‌های ذهن فلسفی اسمیت همخوانی دارد. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

۱- تردید منطقی^۵: فیلسوف به امور مختلف با تردید می‌نگرد، البته منظور از تردید فیلسوف، انکار واقعیات و محسوسات نیست. این تردید از پایه و مبنایی برخوردار است و از این لحاظ با تردید افراد عادی متفاوت می‌باشد. فیلسوف به رعایت احتیاط منطقی، تا زمانی که دلیل پذیرش عقیده‌ای را مشخص نکرده است، از قبول آن خودداری می‌کند. برخی از افراد، سهل‌القبول هستند؛ یعنی هر چه به آن‌ها ارائه شود، می‌پذیرند، همچنین بعضی از افراد، تلقین‌پذیرند؛ یعنی وقتی فردی مطلبی را به آن‌ها ارائه دهد، به‌سرعت قبول می‌کنند، مخصوصاً اگر آن مطلب به صورت احساسی و یا با استفاده از واژه‌هایی علمی بیان شود. گاهی نیز افراد عادی، مطالب گذشتگان را بدون چون‌وچرا می‌پذیرند، گاهی اوقات نیز گفتار بزرگان و افراد مشهور خودبه‌خود مورد قبول قرار می‌گیرد، زمانی نیز به علت اینکه فرد دارای تخصص است، نظراتش توسط دیگران پذیرفته می‌شود. در تمام موارد، تردید منطقی برای ایجاد اطمینان بیشتر مفید است، البته باید توجه داشت ابزار تردید نیز منطقی و یا قابل توجیه باشد (سال مقدم و همکاران، ۱۴۰۱).

1 - Philip . G Smith

2 - Universality

3 - Meditation

4 - Flexibility

5 - Reasonable Doubt



۲- کنجکاوی^۱: فیلسوف، کنجکاو است و دوست دارد برای هر چیز، هرچند ساده پیش پا افتاده باشد، علتی در نظر بگیرد و به توضیح آن پردازد. فیلسوف به پدیده‌های مختلف توجه می‌کند، افکار فلسفی، نظریات علمی، آداب و رسوم، عقاید عمومی، جنبه‌های هنری، شعر و اعتقادات دینی، همه مورد توجه فیلسوف قرار می‌گیرند و همین کنجکاوی شدید فیلسوف، باعث می‌شود که او به توضیح و تفسیر این پدیده‌ها پردازد. نتیجه این کنجکاوی نیز طرح مسائل اساسی و پیشنهاد راه‌های تازه‌ای است که کمتر نظر دانشمندان دیگر را به خود جلب می‌کند (شکری و فره چایی، ۱۳۹۸).

۳- ژرف‌اندیشی^۲: فیلسوف همیشه از قضاوت‌های سطحی خودداری می‌کند و به عمق قضایا توجه می‌نماید. آنچه از نظر دیگران بدیهی و مسلم است، از سوی فیلسوف مورد غور و بررسی قرار می‌گیرد (عسگری، ۱۴۰۱). منظور از ژرف‌اندیشی، گذشتن از ظاهر امور و رسیدن به باطن وقایع، پدیده‌ها و مسائل است. بررسی مبادی هر نظریه، تجزیه و تحلیل پیش‌فرض‌ها و در نظر گرفتن اصول یا قضایایی که یک نظریه بر آن‌ها مبتنی است. نتیجه ژرف‌اندیشی می‌باشد. آنچه دیگران را قانع می‌سازد، فیلسوف را راضی نمی‌کند. فیلسوف به معرفت سطحی قناعت نمی‌کند و ژرف‌اندیشی خاصی در مطالعات او به چشم می‌خورد. او می‌خواهد عمق قضایا را درک کند و از این طریق، ارتباط امور را روشن سازد (علوی، ۱۴۰۲).

۴- سعه صدر^۳: سعه صدر یعنی باز بودن فکر یا گسترده بودن دایره تفکر. کسی که از سعه صدر برخوردار است هرگز از روبه‌رو شدن با آرای مخاف، بیم و هراسی به خود راه نمی‌دهد. این فرد، افکار و عقاید، مکتب‌ها و نظام‌های مختلف عقیدتی و روش‌ها و گرایش‌های گوناگون را مورد بررسی قرار می‌دهد و آنچه را که منطقی است، می‌پذیرد. ولی فردی که سعه صدر ندارد، متعصب است. فرد متعصب از اینکه با افکار و عقاید مخالف روبه‌رو شود، می‌هراسد. چنین فردی افکار و عقاید خود را از روی تقلید کورکورانه می‌پذیرد و اگر در موقعیت‌های مختلف با افکار و عقاید معین روبه‌رو شود، بدون اینکه فهم و تعلق در مورد آن‌ها صورت دهد، آن افکار و عقاید را می‌پذیرد. البته مسائل عاطفی نیز نقش مهمی در این زمینه دارد. مثلاً فرد به دلیل اینکه به کسی علاقه‌مند است، بدون چون و چرا از او تقلید می‌کند و عقاید او را می‌پذیرد (شریعتمداری، ۱۳۹۸).

۵- دید وسیع^۴: فردی که از ذهنی فلسفی برخوردار است، با دیدی وسیع به مسائل می‌نگرد و تا آنجا که امکان دارد سعی می‌کند امور مختلف را در ارتباط باهم مورد مطالعه قرار دهد. هیچ‌گاه امری خاص، ذهن فیلسوف را به خود مشغول نمی‌سازد. فیلسوف غالباً مسائل و مشکلات را در ارتباط با یکدیگر مورد بحث قرار می‌دهد (شریعتمداری، ۱۳۹۸).

چنین فردی غالباً امور را در سطح وسیع‌تری مورد مطالعه قرار می‌دهد، رابطه یک امر را با امور دیگر بررسی می‌کند و قبل از آنکه درباره‌ی امری خاص اظهار نظر نماید، امور مربوط به آن را نیز مطالعه می‌کند. همین دید وسیع است که فلاسفه را به جهان‌شناسی و طرح مسائل کلی و عمومی وا می‌دارد. این ویژگی در واقع همان جامعیت و مشاهده امر خاص با توجه به ارتباط آن با یک زمینه گسترده است که نظر فیلیپ جی اسمیت می‌باشد. ارتباط دادن یک امر

-
- 1 - Curiosity
 - 2 - Thought fullness
 - 3 - Broad- Mindedness
 - 4 - Broader- Perspective



خاص با کل مسائل، موجب بهتر درک کردن آن امر می‌باشد. به بیان دیگر، امری که با امور دیگر در زمان حاضر ارتباط دارد اگر به تنهایی مورد بررسی قرار گیرد، معنایی خاص دارد، ولی اگر در ارتباط با امور دیگر مطالعه شود، معنای گسترده‌تری پیدا می‌کند (ساساهابی^۱ و همکاران، ۲۰۱۹).

۶- وحدت شخصیت^۲: یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های یک فیلسوف، برخورداری از وحدت شخصیت است. وحدت شخصیت فیلسوف شامل جنبه‌های بدنی، عقلانی، عاطفی و اجتماعی است. منظور از وحدت شخصیت فیلسوف، وجود هماهنگی میان جنبه‌های عقلانی، عاطفی و اجتماعی فرد است (عسگری، ۱۴۰۱).

یکی دیگر از عوامل وحدت دهنده، جنبه منطقی فکر فیلسوف است. فیلسوف تلاش می‌کند تا در هر زمینه و در هر موقعیت، منطقی عمل کند. پذیرش عقاید، انتخاب ارزش‌ها یا تمایلات و ایجاد عادات، همه در وضعی منطقی صورت می‌گیرد. جنبه منطقی فکر فیلسوف، مانع پذیرش عقاید متضاد و یا متناقض و انتخاب تمایلات غیراساسی می‌شود. در صورت عدم وجود این ویژگی، یک جنبه از شخصیت فرد نسبت به ویژگی‌های دیگر آن برجسته است و با جنبه‌های دیگر هماهنگی ندارد. بسیاری از افراد ممکن است رفتاری متضاد از خود نشان دهند. برای مثال یک فرد ممکن است در محل کار خود، فردی منضبط و وظیفه‌شناس باشد، اما همین فرد در خانه از انجام وظایف خویش شانه خالی کند. بدون شک فقدان عواملی که باعث وحدت شخصیت می‌شوند، در پیدایش جنبه‌های متضاد در شخصیت فرد مؤثر می‌باشند (منصورآبادی و همکاران، ۱۴۰۰).

۷- ترقی طلبی^۳: فردی که از ذهنی فلسفی برخوردار است. همواره به دنبال ترقی و پیشرفت است. او هرگز وضع موجود را به عنوان وضعیت نهایی تلقی نمی‌کند. چنین شخصی همیشه به بررسی و ارزیابی عقاید می‌پردازد و تغییرات لازم را در آن‌ها به وجود می‌آورد. فیلسوف خود را در قالب افکار موجه و منطقی محدود نمی‌کند و همین مسئله، باعث طرح مسائل تازه و تهیه افکار جدید از سوی فیلسوف می‌شود. فیلسوف در عین اینکه به عقاید گذشتگان احترام می‌گذارد، همواره به دنبال بررسی عقاید آن‌هاست و سعی می‌کند به افکار جدید دست یابد. او فردی خلاق است که همواره در صدد خلق افکار تازه است. البته بدون دلیل نه عقاید گذشته را نفی می‌کند و نه هر تازه‌ای را می‌پذیرد، بلکه ابتدا به بررسی آن‌ها می‌پردازد و سپس در مورد صحت یا سقم آن‌ها قضاوت می‌کند (گودرزی و همکاران، ۱۴۰۰).

۸- طرفداری از ارزش‌های انسانی^۴: فیلسوف به ارزش‌های انسانی پایبند است. از نظر او حقوق و آزادی‌های فردی عدالت اجتماعی، صلح، حاکمیت ملی، تفاهم بین‌المللی، و میراث تمدنی بشر، ارزش و اعتباری ویژه دارند (مددی ماهانی، ۱۴۰۰).

برای هر کدام از ابعاد سه‌گانه چهار نشانه و مجموعاً دوازده نشانه برای کل ذهنیت فلسفی معرفی می‌شود.

۱- بعد جامعیت:

۱- نگرستن به موارد خاص در ارتباط با زمینه وسیع

۲- ارتباط دادن مسائل آنی به هدف‌های درازمدت

1 Sosahabi

2 - Unity Of Character

3 - Progressive Ambition

4 - Advocacy Of Human Values



۳- به کار بردن قوه تعمیم

۴- شکیبایی در تفکرات عمیق نظری (خورشیدی، ۱۳۹۲).

۲- بعد تعمق:

۱- زیر سؤال بردن آنچه مسلم یا بدیهی تلقی می‌شود.

۲- کشف و تدوین بنیادها

۳- کاربرد حساسیت برای اموری که دارای معانی ضمنی هستند.

۴- مبتنی کردن انتظارات بر جریان فرضیه استنتاجی - قیاسی (شکری و قره چایی، ۱۳۹۸).

۳- بعد قابلیت انعطاف:

۱- رها شدن از جمود روان‌شناختی

۲- ارزشیابی افکار و نظریات جدا از منبع آن‌ها

۳- دیدن مسائل با جهات متعدد

۴- شکیبایی در قضاوت‌های موقتی و مشروط (ابراهیمی، ۱۳۹۰).

در زیر به توضیح هر یک از نشانه‌ها پرداخته می‌شود:

الف) بعد جامعیت

(۱) نگرستن به موارد خاص در ارتباط با زمینه‌ای وسیع: هنگامی که فردی وظایف خود را بر اساس هدف‌های کلی‌تر بفهمد، آن شخص نه تنها دارای روحیه قوی‌تر می‌شود بلکه رفتارش هوشمندانه‌تر می‌گردد.

(۲) ارتباط دادن مسائل آنی به هدف‌های درازمدت: در تفکر، نیروی عقلانی و هیجانی وجود دارد که باعث می‌شود در برابر فشار آنی مسائل، نظم ایجاد شود. این نظم منجر به تصمیم‌سازی بر اساس هدف‌های بلندمدت می‌شود. چنانکه فرد می‌تواند امور را ترتیب دهد، امکانات را تشخیص دهد و این امکانات ممکن است برای کسانی که دید فلسفی ندارند به چشم نیاید.

(۳) بکار بردن قدرت تعمیم: دو نوع تعمیم داریم که عبارت‌اند از: (۱) تعمیم تجربی^۱ و (۲) تعمیم فرضیه استنتاجی^۲ (خلاق)

الف) تعمیم تجربی: زندگی، ما را اغلب با مواردی مواجهه می‌سازند که گاهی مانند جعبه سیاه می‌باشد. ما آنچه را که درون جعبه می‌رود و آنچه را که از آن خارج می‌شود را مشاهده می‌کنیم و این از طریق تعمیم تجربی به دست آید که چه چیزی خارج شده و چه چیزی وارد شده است

ب) تعمیم فرضیه استنتاجی (خلاق): اما ما می‌خواهیم داخل جعبه سیاه و اتفاقات داخل آن را مشاهده نماییم و ذهن فلسفی می‌خواهد بداند داخل جعبه چه می‌گذرد؟ ذهن فلسفی توسط فرضیه استنتاج، برای پاسخ به این سؤال مفاهیمی توضیحی را خلق می‌کند. چنین ساختارهای ذهنی تعمیم‌ها هستند.

1 - Empirical Generalizations

2 - Generalized Theory Of Deductive



۴) شکیبایی در تفکرات عمیق نظری: در این نشانه فرد کوشش می‌کند تا جنبه‌های کلی امری را درک کند، به هدف‌های درازمدت توجه نماید و تعمیم‌های فرضیه استنتاجی را خلق نماید. کسی که ذهنیت فلسفی ندارد، در برابر نظریه‌پردازی و تعمیم‌ها استنتاجی ناشکیباست (ساساهابی^۱ و همکاران، ۲۰۱۹).

ب) بعد تعمق:

۱- زیر سؤال بردن آنچه مسلم یا بدیهی تلقی می‌شود: فرد دارای ذهنیت فلسفی باید، حتی امور بدیهی و مسلم را که در ذهن او نقش بسته‌اند را زیر سؤال ببرد و نسبت به آن دید ماورایی داشته باشد. فرد دارای ذهن فلسفی نگاه اندیشمندانه‌ای نسبت به نگرش‌ها و نظرات متداول دارد و تلاش می‌کند بدون تعصب و جانب‌داری نصبی نگرش‌ها را تغییر دهد. در این حالت، این افراد ممکن است محبوبیت گروهی خود را به خاطر زیرپا گذاشتن عقاید جمعی از دست بدهد.

۲- کشف، و تدوین نظریات، سؤالات و فرض‌های بنیادی در موقعیت خاص: کسانی که دارای ذهن فلسفی هستند بدون هیچ تعلق به امور جبری و با رهایی از آن می‌توانند نظریات و افکار اساسی را به‌عنوان کلیدهای حل مسائل در دامنه‌های وسیع ملاحظه نمایند. سازمان‌های بسیار موفق اغلب دارای روش‌های کار می‌باشند.

۳- حساس به معانی تلویحی و ربط امور: هنگامی که مبانی یک موقعیت درک شد شخص دارای ذهن فلسفی شوقی بسیار برای کشف اصول اساسی آن مبانی نشان می‌دهد. وقتی فرد چیزی را که برای دیگران بدیهی است زیر سؤال می‌برد، یا آن را قبول دارد و یا آن را رد می‌کند. این فرد با گمانه‌زنی‌ها به حقیقتی دست می‌یابد.

۴. مبتنی کردن انتظارات بر یک، جریان فرضیه استنتاجی - قیاسی تا بر یک جریان ساده استقرایی: این نشان به معنای رسمیت نقش نظریه در همه امور ما حتی عملی‌ترین امور است. شاید یکی از معمول‌ترین اشتباهات زمان ما، تأکید بیش از حد بر جنبه‌های عملی منفک از نظر است (منصورآبادی و همکاران، ۱۴۰۰).

ج) قابلیت انعطاف:

۱- رها شدن از جمود روان‌شناختی: نمایش جمود روان‌شناختی به نظر در سه نوع موقعیت روی می‌دهد: الف) موقعیت جمود زمانی است: که فردی آمادگی لازم برای واکنش به آن موقعیت برایش فراهم نباشد و این شرایط و با این موقعیت به‌قدری تازگی دارد که تجارب فرد نمی‌تواند به کمکش بیاید تا واکنشی مناسب از خود نشان دهد. مانند عکس‌العملی که به‌صورت حیرت‌انگیز در برابر موقعیت غیرمنتظره‌ای به وجود می‌آید.

ب) موقعیت جمود روانی: زمانی است که یک‌راه‌حل برای واکنش به موقعیت‌های مشابه صورت می‌گیرد و ممکن است گاهی اوقات برخی از موقعیت‌ها به‌ظاهر مشابه باشند اما استفاده از راه‌حل همان باشد.

ج) جمود روانی زمانی: زمانی است که فرد در موقعیتی قرار گیرد که تحت فشارهای هیجانی فوق‌العاده‌ای است. هیجانان، بجای افزایش انگیزش و میل به جریانات عقلانی، موجب ایجاد قلمروهایی در جهت ایجاد جمود فکری می‌شود.

۲- ارزش سنجی افکار و نظریات جدا از منبع آن‌ها: فردی که دارای ذهن فلسفی است نباید تحت تأثیر پیش‌داوری‌های ذهنی قرار بگیرد. این فرد باید از قضاوت‌های سریع در مورد ارزش اجتماعی فکر یا نظری دوری

1 Sosahabi



کند مگر زمانی که فرصت و یا وقت کافی برای ارزشیابی دقیق وجود ندارد. در اینجا فرد دارای ذهن فلسفی هم به منابع افکار فکر می‌کند و هم به خود افکار و برای آن فکر ارزش و اهمیت قائل هست.

۳- دیدن مسائل با جهات متعدد تا دو جهت، و ایجاد جانشین‌هایی برای فرضیه‌ها، توضیحات، جنبه‌های موردنظر و غیره: به‌جای توجه به جهان به «مواردی که اعتقاد دارم» و «مواردی که اعتقاد ندارم» توجه به اصل نفی و سطر داشته باشد. وقتی که فردی پیشنهاد می‌کند که ما باید به هر دو طرف مسئله توجه کنیم، احتمالاً بدان معناست که او خطی رابین جنبه موردنظر خود، و جهانی کشیده است که از همه جنبه‌های موردنظر، به‌جز یک جنبه، با آن فرق دارد (ابراهیمی، ۱۳۹۰).

افراد دارای ذهن فلسفی بافهم تفاوت میان متضادها و متناقضات کامل، می‌توانند مسائل را بیشتر چندجانبه ببینند تا دوجانبه. آن‌ها تعدادی از انتخاب‌ها را در نظر دارند و مایل‌اند تا برحسب فرضیه‌هایی که از پشتیبانی خوبی برخوردارند اقدام کنند. یاد گرفته‌اند بدون یقین و درعین حال بدون تردید چگونه زندگی کنند.

۴- شکیبایی در قضاوت‌های موقتی و مشروط و علاقه به اقدام در موقعیت مبهم: فرد دارای ذهن فلسفی امور موقتی شکیبایی می‌باشد. او تشخیص می‌دهد که فقط آن امر موقتی قابل دفاع در نوع جهان آزادی است که عزیز می‌دارد. او مایل است در موقعیتی مبهم دست به اقدام زند، او با این تشخیص مایل است دست‌به‌کار شود که فقط با عمل است که می‌توان ابهام را به طرقتی حل کرد که موقعیت مذکور را هماهنگ باهدف هوشمندانه انسان سازد (گودرزی و همکاران، ۱۴۰۰).

۳. روش‌شناسی

پژوهش مذکور از نظر هدف، کاربردی است و از نظر داده‌ها کیفی و برحسب زمان گردآوری داده، مقطعی و برحسب روش گردآوری داده‌ها و یا ماهیت و روش پژوهش، فراترکیب و از نظر نحوه اجراء، از روش تحلیل مضمون از طریق کدگذاری (کدباز، محوری و انتخابی) با رویکرد داده بنیاد بود. جامعه آماری شامل:

- سند کاوی اسناد و مدارک علمی: اسناد و مدارک علمی شامل کتب تخصصی، تحقیقات انجام شده، پایان‌نامه‌ها، مقاله‌ها برگرفته از پایگاه‌های داده داخل از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ و خارج از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۳ در زمینه ذهنیت فلسفی از طریق پایگاه داده‌های علمی زیر:

پایگاه داخلی: ایران داک، اس آی دی، ایران مدکس، مگ ایران، مدیلیب، ایران سایک، علم نت، نورمگز و سیویلیکا.
پایگاه خارجی: وب آو ساینس، پاب مد، اسکاپوس، امبیس، کورنس، گوگل اسکالر، اریک، ساینس دایرکت، پروکوئست، مدلاین، آی اس آی، الزویر، ویلی آنالین لایبرری، اشپرینگر، آی ای ای، جی استور و سایک اینفو.
در این پژوهش برای مرور سیستماتیک ادبیات از روش نمونه‌گیری غیر تصادفی از نوع هدفمند^۳ برای انتخاب مبانی نظری و پیشینه پژوهش و بر اساس ملاک‌های ورود در پژوهش استفاده شد. در این روش پایه تعیین حجم نمونه بر اساس انتخاب مبانی نظری و پیشینه پژوهش توسط پژوهشگر با توجه به هدف‌های مطالعه و ماهیت تحقیق توسط نمودار جریان مدل پریزما استوار است.

1 IranDoc, SID, IranMedex, Magiran, MediLib, Iran Psych, Elmnet, Noormags, Civilica

2 Web of Science, Pubmed, Scopus, Embase, Cochrane, Google Scholar, ERIC, ScienceDirect, PreQuest,

Medline, ISI, Elsevier, Wiley Online Library, Springer, IEEE, JSTOR, PsycInfo

3 Judgemental Sampling



گردآوری اطلاعات با روش اسنادی (کتابخانه‌ای) انجام شد که در این روش اطلاعات از طریق مطالعه کتب، نشریات، منابع اینترنتی و پایگاه‌های اطلاعاتی جمع‌آوری و پس از انتخاب منابع نسبت به تهیه، فیش‌برداری و ترجمه متون مورد نظر اقدام شده است. در این پژوهش ابزار گردآوری داده‌ها مطالعات اسنادی با توجه به رویکرد پژوهش یعنی مطالعه سیستماتیک ادبیات بود. در خصوص فراترکیب یا سنتز پژوهی منظور از مرور سیستماتیک، مطالعه بسیار دقیق آثار علمی موجود در رابطه با یک موضوع علمی خاص است که شامل جستجو، شناسایی، انتخاب و ترکیب ادبیات و پیشینه است. به منظور محاسبه روایی چک‌لیست ۲۷ موردی بر اساس مدل پریزما و برای محاسبه پایایی روش ضریب کاپای کوهن استفاده شد. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها تحلیل مضمون (مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر) بود. همچنین روش تحلیل داده‌ها کدگذاری نظری برگرفته از روش تحلیل مضمون با نرم‌افزار Maxqda بود.

۴. یافته‌ها

به منظور شناسایی عوامل تشکیل دهنده ذهنیت فلسفی در میان اساتید دانشگاه‌های آزاد اسلامی شهر تهران با استفاده از سه مرحله که در پی می‌آید شناسایی شد. در این مرحله با استفاده از روش فراترکیب با مرور نظام‌مند و با رهیافت مدل پریزما و با استفاده از روش تجزیه و تحلیل مضمون، عوامل تشکیل دهنده ذهنیت فلسفی در میان اساتید دانشگاه‌های آزاد اسلامی شهر تهران شناسایی می‌شود:

۱- انجام سنتز پژوهی جهت شناسایی عوامل تشکیل دهنده ذهنیت فلسفی در میان اساتید دانشگاه‌های آزاد اسلامی شهر تهران

جدول ۱- مراحل انجام سنتز پژوهی جهت شناسایی عوامل تشکیل دهنده ذهنیت فلسفی در میان اساتید

دانشگاه‌های آزاد اسلامی شهر تهران

مرحله	زیر مرحله	توضیحات
مرحله اول:	الف) تعیین پارامترهای جست‌وجو مانند تاریخ انتشار و نوع پژوهش	۱. پژوهش‌ها: مقالات حاصل از انواع مطالعاتی که در مجلات معتبر علمی پژوهشی داخلی و خارجی نظیر ISI و ISC به چاپ رسیده‌اند.
تعیین جغرافیای پژوهش، تعیین پژوهش‌هایی		۲. گستره جغرافیایی: داخلی و خارجی
که قرار است از یافته‌های آن‌ها استفاده شود.		۳. محدوده زمانی: کلیه پژوهش‌های در دسترس فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ در داخل و ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳
		۴. نوع پژوهش‌ها: مطالعات سنتز پژوهی، مروری، کیفی و کمی
		۵. نوع اسناد: مقالات مرتبط با ذهنیت فلسفی
		۶. زبان پژوهش‌ها: پژوهش‌هایی که به یکی از دو زبان فارسی و انگلیسی چاپ و منتشر شده‌اند.
	ب) تعیین معیارهای انتخاب اسناد گردآوری شده از مرحله قبل	۱. مرتبط با سؤال پژوهش
		۲. کیفیت پژوهش از نظر اعتبار ابزارهای تحقیق به کار رفته و اعتبار روش‌های تحلیل استفاده شده
	ج) تعیین راهبرد جست‌وجوی اسناد و پایگاه‌ها	۱. با توجه به منابع نظری، واژه‌های مهم «ذهن فلسفی، ژرف‌نگری، تفکر منطقی، تفکر نقادانه، سبک تفکر، تفکر واگرا، مقیاس ذهنیت



فلسفی، پرسشنامه ذهنیت فلسفی، عوامل تشکیل دهنده ذهنیت فلسفی، مؤلفه‌های ذهنیت فلسفی، اجزا ذهنیت فلسفی، عناصر ذهنیت فلسفی، ذهن باز، مرور سیستماتیک ادبیات ذهنیت فلسفی، سنتز پژوهی ذهنیت فلسفی، متاسنتز ذهنیت فلسفی و فراترکیب ذهنیت فلسفی» در نظر گرفته شد.

۲. استفاده از پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی و خارجی پایگاه داخلی: ایران داک، اس آی دی، ایران مدکس، مگ ایران، مدیلیب، ایران سایک، علم نت، نورمگز و سیویلیکا^۱ پایگاه خارجی: وب آو ساینس، پاب مد، اسکاپوس، امپیس، کورنس، گوگل اسکالر، اریک، ساینس دایرکت، پروکوئست، مدلاین، آی اس آی، الزویر، ویلی آنلاین لایبری، اشپرنگر، آی ای ای، جی استور و سایک اینفو^۲

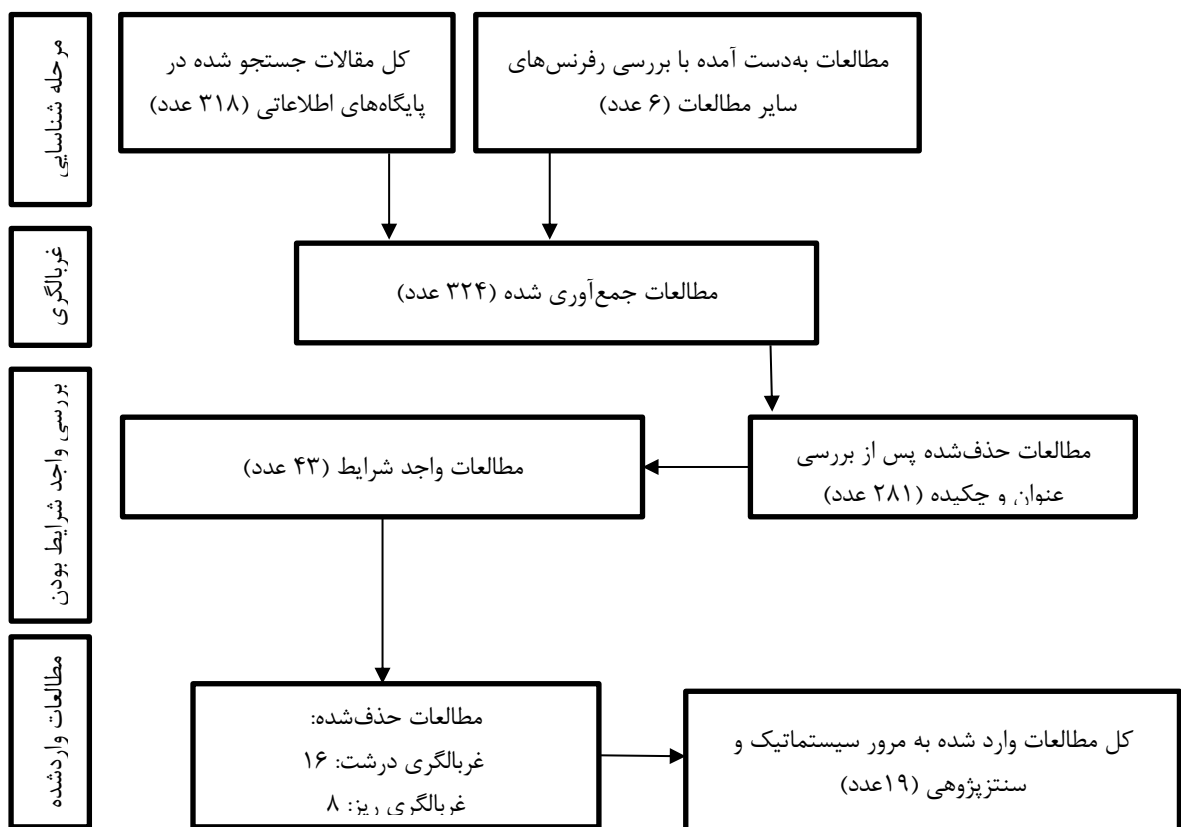
مرحله دوم: نقد نظام‌مند اسناد منتخب	الف) غربالگری درشت ب) غربالگری ریز	چکیده اسناد خوانده شد و بر اساس دو معیار کلی «کیفیت» و «مرتبط بودن» اسناد این مطالعه‌ها انتخاب شدند. کل متن مقالات با توجه به دو معیار «کیفیت» و «مرتبط بودن» بررسی و از میان آن‌ها مواردی که انتخاب می‌شوند وارد گام سوم می‌شوند.
مرحله سوم: سنتز: خلق چیزی جدید از عناصر جدا از هم	ج) واکاوی	مقالات چندین بار به دقت مطالعه، سپس به نوعی تشریح فیزیولوژیک می‌شوند و قطعات گوناگون آن‌ها در خانه‌های جدول تشریح قرار می‌گیرند که شامل پژوهشگر، سال، عنوان، ماهیت مقاله، جامعه آماری، نمونه‌گیری، ابزار اندازه‌گیری، روش تجزیه و تحلیل، پایگاه-های داده، کلمات کلیدی برای جستجو، نام مجله، زبان مقاله، کشور، امتیاز کیفیت مقاله، نتیجه کیفیت است. صحت مطالب مندرج در ستون‌های جدول‌های تشریح فیزیولوژیک طی چند بار تطابق با مقاله اصلی اعتباربخشی می‌شوند.
مرحله سوم: سنتز: خلق چیزی جدید از عناصر جدا از هم	در این مرحله دو نوع سنتز به ترتیب انجام می‌شود: ۱. سنتز تجمیعی: در واقع در مقابل سنتز پژوهی ترکیبی است (گاف ۳۰ و همکاران، ۲۰۱۲). سنتز تجمیعی همانند تغییر فیزیکی و سنتز ترکیبی همانند تغییر شیمیایی در یک واکنش است. در اولی یافته‌های پژوهش‌های انتخاب‌شده با هم جمع می‌شوند، مانند آنچه بیشتر در فرا تحلیل پژوهش-های کمی شاهد آن هستیم. ۲. سنتز ترکیبی: یافته‌های دیگران خود مبدل به داده‌ای می‌شوند که با داده‌ای دیگر ترکیب و سپس با هویتی جدید بازآفرینی می‌شوند.	بخش یافته‌های اسناد منتخب که در خصوص عوامل فرهنگی تحقیق است با هم یکجا می‌شوند. سپس با بازخوانی‌های مکرر و دقیق و همچنین مقایسه یافته‌های مشابه و متناقض (با کدگذاری بارنگ‌های متفاوت) دسته‌بندی این داده‌ها در ذیل مضامینی بزرگ‌تر انجام می‌شود.

1 IranDoc, SID, IranMedex, Magiran, MediLib, Iran Psych, Elmnet, Noormags, Civilica
2 Web of Science, Pubmed, Scopus, Embase, Cochrane, Google Scholar, ERIC, ScienceDirect, PreQuest, Medline, ISI, Elsevier, Wiley Online Library, Springer, IEEE, JSTOR, PsycInfo



۲- نمودار جریان (فرایند جستجوی مقالات)

در این مرحله ابتدا محدودیت‌های اعمال شده به لحاظ قلمروهای زمانی (داخلی و خارجی)، مکانی (پایگاه‌های داده داخل و خارج)، ماهیت پژوهش (سنتز، مروری، کیفی و کمی) و موضوعی (کلمات کلیدی برای جستجو) آورده می‌شود، سپس فرایند غربالگری درشت و ریز انجام می‌شود. مشخصات کلی مطالعات منتخب بر اساس مدل پریزما برای تحلیل نهایی در نمودار زیر آورده شده است.



نمودار ۱- فرایند انتخاب مقالات بر اساس دستورالعمل پریزما

همان‌طور که در نمودار جریان بر اساس مدل پریزما قابل ملاحظه است پس از غربالگری‌های صورت گرفته در نهایت ۱۹ مقاله انتخاب شد که کیفیت آن‌ها بررسی و مورد واکاوی قرار گرفت.

۳- چک‌لیست ۲۷ موردی جهت بررسی کیفیت مقالات شناسایی شده در مورد عوامل تشکیل‌دهنده ذهنیت فلسفی نتایج

جستجوی کلیه مجلات مرتبط با حوزه ذهنیت فلسفی در داخل و خارج از کشور نشان می‌دهد که در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ در داخل و ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳ در خارج از کشور تنها ۱۹ مقاله با رویکرد فراترکیب و بدون فراترکیب با کلمات کلیدی ترکیب ذهنیت فلسفی در این حوزه به چاپ رسیده است. نتایج بررسی کیفیت مقالات چاپ شده را بر اساس چک‌لیست ۲۷ موردی مدل پریزما نشان می‌دهد. میزان انطباق کلی کیفیت مقالات مورد بررسی با معیارهای گزارش چک‌لیست ۶۴٪ برآورد شد. بیشترین کمبودهای کیفیت در گزارش بخش روش مقالات به



میزان ۵۱٪ تخمین زده شد. مشخص‌ترین نقصان گزارش‌های مطالعات مرور نظام‌مند مورد بررسی مربوط به خطاهای موجود در مطالعات اولیه و خطاهای حاصل از ترکیب نتایج این مطالعات و عدم اشاره به سوگیری‌ها بوده است. بیشتر مقالات یافت شده مربوط به سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹ (۶۵,۷٪) و همین‌طور ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ (۶۳,۹٪) بوده است. از این تعداد مقاله ۴۱,۴٪ مربوط به مقالات داخلی و ۵۸,۶٪ مربوط به مقالات خارجی بود. در جدول زیر نتایج آزمون خی دو در خصوص نقش رشته پژوهشگر، سال‌های مختلف چاپ مقاله و تعداد نویسندگان در کیفیت گزارش مقالات آورده شده است.

جدول ۲- نتایج آزمون خی دو در خصوص نقش رشته پژوهشگر، سال‌های مختلف چاپ مقاله و تعداد

نویسندگان در کیفیت گزارش مقالات

متغیر	آماره خی دو	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه
رشته پژوهشگر	۰,۶۹	۱	۰,۴۱	عدم تفاوت
سال چاپ	۰,۵۴	۹	۰,۵۷	عدم تفاوت
تعداد نویسندگان	۰,۷۸	۴	۰,۳۵	عدم تفاوت

بر اساس آزمون خی دو و جدول بالا می‌توان گفت کیفیت مقالاتی که توسط پژوهشگران دو رشته مدیریت آموزشی و فلسفه تعلیم و تربیت نگارش شده بود با یکدیگر تفاوت نداشت ($p=0.41$). در کیفیت گزارش مقالات بین سال‌های مختلف نیز همین آزمون تفاوت آماری معناداری را نشان نداد ($p=0.57$). همچنین تعداد نویسندگان نیز بر کیفیت گزارش مقالات تأثیر معناداری را نشان نداد ($p=0.35$).

نتایج ضریب کاپا

کاپای کوهن قرارداد بین دو ارزیاب که هر کدام N مورد را در C طبقه متقابلاً انحصاری مرتب کرده‌اند را اندازه‌گیری می‌کند. معادله برای K عبارت است از:

$$K = \frac{pr(a) - pr(e)}{1 - pr(e)}$$

که در آن Pr(a) قرارداد نسبی مشاهده شده بین ارزیاب‌ها است و Pr(e) احتمال فرض قرارداد شانس است، با استفاده از داده مشاهده شده برای محاسبه احتمال‌های هر مشاهده‌کننده که به صورت اتفاقی بیانگر یکی از دسته‌ها هستند. در نهایت بر اساس خروجی نرم‌افزار ضریب کاپای کوهن به‌قرار زیر است:

$$K = \frac{(0.61 - 0.06)}{1 - 0.06} = 0.58$$

با توجه به مقدار ضریب کاپای (۰,۵۸) به‌دست‌آمده، می‌توان نتیجه گرفت که نتیجه بررسی دو ارزیاب مناسب است. واکاوی و سنتز (تجمیعی و ترکیبی)

در این مرحله واکاوی مقالات منتخب بر اساس پژوهشگر، سال، عنوان، ماهیت مقاله، جامعه آماری، نمونه‌گیری، ابزار اندازه‌گیری، روش تجزیه و تحلیل، پایگاه‌های داده، نام مجله، کشور، امتیاز کیفیت مقاله، نتیجه کیفیت آورده شده است. در نهایت سنتز به‌منظور شناسایی عناصر ذهنیت فلسفی در میان اساتید دانشگاه انجام می‌شود. جدول زیر تشریح فیزیولوژیک مقالات به‌منظور واکاوی مقالات منتخب نشان می‌دهد.

تحلیل مضمون عوامل تشکیل‌دهنده ذهنیت فلسفی



در این پژوهش به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی از تحلیل مضمون استفاده شد. ابزارهایی که در تحلیل مضمون مورد استفاده قرار می‌گیرند شامل کدگذاری، نرم‌افزار، قالب مضامین و شبکه مضامین می‌باشد. لازم به ذکر است در این پژوهش برای کدگذاری‌های صورت گرفته در تحلیل مضمون از نرم‌افزارهای مختلفی استفاده می‌شود که در این پژوهش از نرم‌افزار Maxqda-V10 استفاده شد.

■ کدگذاری

در کدگذاری‌های صورت گرفته (باز، محوری و انتخابی) مضامین پایه، به مضامین سازمان دهنده و مضامین سازمان دهنده به مضامین فراگیر تبدیل می‌شوند. با توجه به مطالعه در مبانی نظری و پیشینه پژوهش عوامل تشکیل دهنده ذهنیت فلسفی بررسی و کدگذاری شد.

■ قالب مضامین

قالب مضامین کدهای مستخرج را به صورت درختی و سلسله مراتبی در چهار و یا پنج سطح نمایش می‌دهد که همان فراوانی کدهاست. در شکل زیر قالب مضامین برای شناسایی عوامل تشکیل دهنده ذهنیت فلسفی آورده شده است.

Code System	63
ارزش‌ها و اخلاق	0
تفکر اخلاقی	3
پژوهش اخلاقی	15
تعامل با ارزش‌ها	11
توانمندی‌های اخلاقی	9
ارتباط با فرهنگ و هنر	0
تغییرات فرهنگی	2
تفکر فرهنگی	2
خلاقیت و نوآوری	0
اتصال میان رشته‌ها	3
تفکر نوآورانه	4
تفکر بحرانی	4
آگاهی و تمرکز	0
تسلط به دانش فلسفی	4
برخورداری از دیدگاه منحصر به فرد	3
توانایی بیان انتقال مفاهیم	3

شکل ۱- قالب مضامین برای شناسایی عوامل تشکیل دهنده ذهنیت فلسفی مبتنی بر مرور سیستماتیک

شکل ۱- سهم فراوانی کدهای اولیه در شناسایی کدهای ثانویه را نشان می‌دهند. همان‌طور که در بالا مشخص شد، بعد از کدگذاری ۱۲ زیر مقوله کشف شد. در ادامه پرتره فراوانی کدها از مقولات فوق ارائه می‌شود.

■ شبکه مضامین

شبکه مضامین به صورت گرافیکی ارتباط متقابل بین مضامین را نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که از میان ۶۳ شاخص (گویه) موجود، ۱۲ مؤلفه اصلی قابل شناسایی است. بر اساس ادبیات، پیشینه و کدگذاری این مؤلفه‌ها و ابعاد در جدول زیر نام‌گذاری شده‌اند.



جدول ۳- عوامل شناسایی شده عوامل تشکیل دهنده ذهنیت فلسفی بر مرور سیستماتیک

سازه	بعد	مؤلفه	گویه
شناسایی شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد ذهنیت فلسفی در میان اساتید دانشگاه‌های آزاد اسلامی شهر تهران	آگاهی و تمرکز	تسلط به دانش فلسفی	۴
		برخورداری از دیدگاه منحصر به فرد	۳
اخلاقیت و نوآوری	توانایی بیان انتقال مفاهیم	تفکر نوآورانه	۴
		اتصال میان رشته‌ها	۳
		تفکر بحرانی	۴
ارتباط با فرهنگ و هنر	تفکر فرهنگی	تفکر فرهنگی	۲
		تغییرات فرهنگی	۲
ارزش‌ها و اخلاق	تفکر اخلاقی	تفکر اخلاقی	۳
		پژوهش اخلاقی	۱۵
		تعامل با ارزش‌ها	۱۱
		توانمندی‌های اخلاقی	۹

۵. نتایج

با توجه به یافته‌های پژوهش، در خصوص شاخص‌های ذهنیت فلسفی در میان اساتید دانشگاه‌های آزاد اسلامی شهر تهران، یافته‌ها نشان داد ذهنیت فلسفی در میان اساتید دانشگاه دارای چهار بعد آگاهی و تمرکز، اخلاقیت و نوآوری، ارتباط با فرهنگ و هنر، ارزش‌ها و اخلاق می‌باشد که بعد آگاهی و تمرکز دارای سه مؤلفه تسلط به دانش فلسفی با ۴ شاخص، برخوردار از دیدگاه منحصر به فرد با ۳ شاخص، توانایی بیان انتقال مفاهیم با ۳ شاخص بود. بعد اخلاقیت و نوآوری دارای سه مؤلفه تفکر نوآورانه با ۴ شاخص، اتصال میان رشته‌ها با ۳ شاخص، تفکر بحرانی با ۴ شاخص بود. بعد ارتباط با فرهنگ و هنر با یک مؤلفه تفکر فرهنگی با ۱ شاخص بود. همچنین بعد ارزش‌ها و اخلاق دارای چهار مؤلفه تفکر اخلاقی با ۳ شاخص، پژوهش اخلاقی با ۱۵ شاخص، تعامل با ارزش‌ها با ۱۱ شاخص و توانمندی‌های اخلاقی با ۹ شاخص بود.

بر اساس یافته‌ها اساتید دانشگاه‌ها که در زمینه فلسفه فعالیت می‌کنند، ممکن است علاقه زیادی به تحقیقات فلسفی و پژوهش‌های عمیق در حوزه‌های مختلف داشته باشند. آن‌ها ممکن است به دنبال کشف دانش جدید، توسعه نظریات و رویکردها، و ارائه راه‌حل‌های نوآورانه برای مسائل فلسفی باشند. اساتید ممکن است به تطبیق و ارتباط فلسفه با مسائل معاصر و زندگی روزمره علاقه‌مند باشد. آن‌ها ممکن است سعی کنند نظریات فلسفی را با مسائل



اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اخلاقی معاصر هماهنگ کنند و به دنبال یافتن راه‌حلهایی برای چالش‌های جدید باشند.

همچنین می‌توان گفت که ذهنیت فلسفی، نوعی از تفکر است که تفکر منظم را مجسم می‌سازد؛ به عبارت دیگر داشتن ذهنی توأم با منطق و دلیل است، که خود یک مزیت عالی به حساب می‌آید. ذهنیت فلسفی، به ذهن فرد اجازه می‌دهد تا متمرکز باقی بماند. بدون فکر متمرکز و دقیق، شخص یک زندگی آشفته و بی‌اندازه احساسی خواهد داشت. رفتار احساسی می‌تواند برقراری ارتباط با دیگران را تضعیف کند. به همین دلیل است که فرد باید بتواند ذهنیت فلسفی خود را تقویت نماید. ذهنیت فلسفی به افزایش رفتار محبت‌آمیز کمک می‌کند. معمولاً خشم و عصبانیت از خصوصیات رفتاری کسی است که دارای تفکر منظم و منطقی نبوده و آن حاصل یک ذهن کمتر توسعه‌یافته است. اساتید دانشگاه دارای بیشترین ارتباط با تنوعی از افراد اعم از دانشجویان، مسئولین ذی‌ربط، رؤسای دانشگاه و... هستند. بنابراین باید دارای توانایی ذهنی خاصی باشد تا بتواند در برخورد با افراد و مسائل، موفق باشد. آن‌ها باید دارای ذهنیت فلسفی درخور قبولی باشد. نظریه تفکر فلسفی و یا ذهنیت فلسفی، حاصل تلاش فیلسوف شهیر آمریکایی، جان دیویی است. وی تفکر فلسفی را در اکثر آثار خود مطرح کرده است. شاگردان و حتی منتقدان دیویی، این نظریه را توسعه دادند. مطالعات انجام‌شده حاکی از اهمیت بالای موضوع است (جعفریان یسار و جعفریان یسار، ۱۳۹۹). سال ۱۹۶۵ اولین بار به شکل علمی و پژوهشی، فیلیپ جی. اسمیت از شاگردان دیویی، متغیر ذهنیت فلسفی و ابعاد آن را به روش طولی در ۴۶ مدرسه ایالت ویرجینیا، مورد مطالعه قرار داد. مطالعه اسمیت نشان داد که ذهنیت فلسفی مدیران باروچیه کارکنان رابطه مستقیم دارد. همچنین مشخص شد، مدیران دارای ذهنیت فلسفی، دارای موفقیت بیشتری بوده و دارای روابط انسانی مطلوبی با کارکنان هستند. یافته‌های ارزش مطالعه اسمیت این است که مدیران دارای ذهنیت فلسفی بالا، دارای خلاقیت بیشتری نیز هستند (اسمیت، ۱۹۶۵).

بر اساس مطالعات انجام‌شده و همچنین نتایج پژوهش حاضر، ذهنیت فلسفی، توانایی قابل توجهی است که در صورت ایجاد آن در افراد، خصوصاً اساتید دانشگاه‌ها، قادر خواهند شد روابط انسانی خود را ارتقا دهند؛ در برخورد با مسائل و مشکلات روشی علمی و منطقی را برای آن اتخاذ کنند؛ در برخورد با مسائل و موضوعات، هیچ‌گاه احساسی نشوند؛ اگر در حل مسئله‌ای شکست خوردند، آن را رها نکنند؛ نظریات دیگران را مشروط بپذیرند؛ در محیط دانشگاه صمیمیت، اعتماد، تلاش، رضایت و احترام ایجاد کنند؛ اثربخشی و کارایی دانشگاه و محیط کار را افزایش دهند و بر اساس یافته‌های پژوهش، توانایی و بازده بیشتر و مطلوبی داشته باشند. بنابر یافته‌های این مطالعه و مطالعات انجام‌شده، در صورت تقویت ذهنیت فلسفی، اساتید دانشگاه قادر خواهند بود عملکرد بهتری در محیط کار دانشگاهی خود داشته باشند.

در این راستا تقی پورظهیر و توکلی (۱۳۹۰) نشان داد که ذهنیت فلسفی مدیران توانسته ۱۴،۵٪ واریانس متغیر عملکرد مدیران را پیش‌بینی کند و در مجموع ۱۶ درصد از تغییرات عملکرد مدیران توسط ابعاد ذهنیت فلسفی پیش‌بینی می‌شود که بعد انعطاف‌پذیری و جامعیت ذهنیت فلسفی بیشترین تأثیر را بر شاخص‌های عملکرد مدیران دارد. همچنین دمرجیلی و رسول نژاد (۱۳۸۷) نشان دادند که با توجه به سطح معناداری می‌توان با اطمینان ۰،۹۹، بین ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت استادان رابطه معناداری وجود دارد. بین سه شاخص ذهنیت فلسفی یعنی جامعیت، تعمق، انعطاف‌پذیری، با خلاقیت رابطه آماری معناداری وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش قدم پور و همکاران (۱۳۹۹)،



مددی ماهانی (۱۴۰۰)، روتر (۲۰۲۱)، گوکالپ (۲۰۱۲)، با نتایج پژوهش حاضر همسو هستند و در تحقیقات خود به نتایج مشابهی دست یافتند.

حال پیشنهاد های کاربردی زیر متناسب با یافته های پژوهش ارائه می گردد:

- پیشنهاد می شود بر اساس شاخص های مورد نظر کارگاه ها و دوره های آموزشی با محوریت فلسفه و توسعه ذهنیت فلسفی توسط اساتید دانشگاه برگزار شود.

- ایجاد فضایی برای بحث و تبادل نظر در مورد مسائل فلسفی و ارائه دیدگاه های متنوع توسط اساتید.

- تشویق اساتید به ارائه مقالات و پژوهش های فلسفی در کنفرانس ها و نشریات علمی.

- ایجاد فضایی برای بحث و تبادل نظر درباره مسائل فلسفی بین اساتید و ترویج فعالیت های هنری و فرهنگی در میان اساتید به منظور تحریک خلاقیت و نوآوری در تفکر فلسفی.

منابع

ابراهیمی دینانی، غلامحسین و گل محمدی آذر، ابوالفضل (۱۳۹۰). کاربرد ذهن فلسفی و روش فلسفی عامه در زندگی فصلنامه حکمت و فلسفه، شماره ۳، صص ۷۴-۱۲۱.

اسمیت، فیلیپ جی. (۱۹۶۵). ذهنیت فلسفی در مدیریت آموزشی. ترجمه محمدرضا بهرنگی، (۱۳۸۲). تهران: انتشارات سمت.

بهرنگی، محمدرضا؛ یوسفی، علی. (۱۳۹۹). تحلیل همبستگی کانونی رابطه بین ابعاد ذهنیت فلسفه و سبک رهبری اقتضایی مدیران، رهبری آموزشی کاربردی، ۱(۱): ۱-۱۴.

تقی پورظهیر، علی و توکلی، رویا. (۱۳۹۰). بررسی رابطه ذهنیت فلسفی مدیران با عملکرد دبیران مدارس متوسطه آموزش و پرورش منطقه ۴ تهران. دوفصلنامه مدیریت و برنامه ریزی نظام های آموزشی. ۴ (۶): ۶۳-۸۰.

جعفریان یسار، حمید و جعفریان یسار، فرزانه. (۱۳۹۹). بررسی رابطه ذهنیت فلسفی و مدیریت دانش در مدیران و معلمان دوره ابتدایی، پژوهش در آموزش ابتدایی، ۲(۳): ۳۵-۲۵.

حیدری، معصومه (۱۴۰۲). بررسی رابطه ی بین ذهنیت فلسفی با روش تدریس در معلمان ابتدایی شهر شازند. مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی (موسسه آموزش عالی نگاره) ب. شماره ۱۵ (۵۰) ۴۵۷ تا ۴۷۱.

خسروپناه، عبدالحسین؛ پرگو، محبوبه؛ عزیزاده مجد، امیررضا. (۱۴۰۱). مطالعه تأثیر فرهنگ علوی بر اخلاق کسب و کار اسلامی با نقش میانجی ذهنیت فلسفی مدیران، مطالعات میان فرهنگی ۱۷(۵۱): ۹۰-۶۳.

خورشیدی، مرضیه. (۱۳۹۲). بررسی رابطه ذهنیت فلسفی مدیران بر انجام وظایف مدیریتی آنان در مدارس متوسطه (دختران و پسران) منطقه ۳ کرج از دیدگاه مدیران و معلمان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد

تهران مرکزی.



دمرچیلی، فریبا، و رسول نژاد، عبدالحسین. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت اعضای هیات علمی دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان زنجان. نوآوری های مدیریت آموزشی (اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی)، ۱۴(۱) (مسلسل ۱۳)، ۶۲-۴۵.

سال مقدم، سمیه؛ باغداساریانس، آنیته؛ گلشنی، فاطمه. (۱۴۰۱). ارائه مدل ساختاری خردمندی براساس هوش موفق و ذهنیت فلسفی بامیانجی گری عزت نفس در مدیران میانی، سبک زندگی اسلامی. شریعتمداری، علی. (۱۳۹۸). اصول تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

شکری، قره چائی. (۱۳۹۸). رابطه ذهنیت فلسفی و موفقیت تحصیلی دانشجویان رشته حسابداری. پژوهش های تجربی حسابداری، ۹(۴)، ۲۸-۱.

عجم، علی اکبر و مباشری، زهرا. (۱۳۹۸). اثربخشی قصه های قرآنی بر ذهنیت فلسفی و گرایش به تفکر انتقادی دانش آموزان دختر پایه ششم ابتدایی، روانشناسی، ۱۳(۲۵): ۶۸-۵۱.

عسگری، احمدرضا. (۱۴۰۱). مدل ساختاری روابط بین ذهنیت فلسفی و سبک تفکر با جامعه پذیری مدیران آموزشی، مطالعات راهبردی جامعه شناختی در ورزش، ۲(۳): ۱۲۶-۱۱۵.

علوی، سید محمد جواد. (۱۴۰۲). مدل علی روابط ذهنیت فلسفی و خودکارآمدی معلم بر کیفیت تدریس با نقش واسطه ای سرمایه روان شناختی و تعهد سازمانی در معلمان ابتدایی. فصلنامه آموزش و پرورش متعالی، ۲(۴)، ۹۴-۸۲.

قدم پور، عزت اله، امیریان، لیلا، خدایی، سجاد، و پادروند، پیمان. (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش تفکر انتقادی بر راهبردهای تفکر سازنده و خوداثرمندی دانشجویان. پژوهش در آموزش علوم پزشکی، ۱۲(۱)، ۴-۱۳.

گودرزی، ماندانا، علیپور شهدادی، پریسا. (۱۴۰۰). بررسی رابطه هوش اخلاقی با ذهنیت فلسفی و باورهای معرفت شناختی دانش آموزان. هفتمین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران، ۱(۷)، ۱۲۱۱-۱۲۲۱.

مددی ماهانی، محمدرضا. (۱۴۰۰). مؤلفه های ذهن فلسفی و کاربست آن در روشهای آموزشی معلمان ابتدایی، پژوهش در آموزش ابتدایی، ۳(۶): ۵۴-۴۱.

منصورآبادی، مرادی، صالحی، اله کرم، امیری. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر ابعاد ذهنیت فلسفی بر بی طرفی حسابداری. حسابداری مدیریت، ۱۴(۵۱)، ۱۰۵-۱۲۰.

Movahedi, A. (2021). Sociology of sports. *Journal of Strategic Sociological Studies in Sport*, 1(1).

http://4s.khuisf.ac.ir/article_688544_4dbf47d9f178cc3010b6fff1d6707eb4.pdf

Sosahabi, P., Moradi, S., & Abbasi, U. A. (2019). The Relationship between Philosophical Mindedness Components and Irrational Beliefs in School Principals. *Iranian Evolutionary and Educational Psychology Journal*, 1(2), 82-87.

Reutter, Susan (2021), Administrative Leadership Mindset and Philosophical Approaches: Qualitative Method, Conceptual Framework, Consequentialism, and Capital, Integration and Application of Business Graduate and Business Leader Competency-Model

Gokalp, Nurten (2012). Philosophy education and human freedom, *Social and Behavioral Sciences* 47 (2012) 477 – 479.



شماره ۴۳،

دوره سیزدهم،

سال چهارم،

بهار ۱۴۰۳،

صص ۱-۲۱



Identifying Indicators, Components and Dimensions of Philosophical Mindset among Professors of Islamic Azad Universities in Tehran

Ahmad Ali Pournaki¹, Alireza Assareh², Masoumeh Sadat Abtahi³

شماره ۴۳،

دوره سیزدهم،

سال چهارم،

بهار ۱۴۰۳،

صص ۱-۲۱

Abstract

The present study was conducted with the aim of identifying indicators, components and dimensions of philosophical mindset among professors of Islamic Azad Universities in Tehran. This research was applied in terms of purpose, and also, in terms of data type, qualitative, and in terms of data collection time, it was cross-sectional, and in terms of data collection method or the nature and method of the research, it was meta-composite. The studied community included the theoretical foundations and relevant background of domestic (1402-1391) and foreign (2013-2023) databases. The sample size was systematically excluded based on the prism model flow chart and purposive sampling method. The data collection tool was library documents. In order to calculate the validity of the 27-item checklist based on the prism model, and to calculate the reliability, the Cohen's Kappa coefficient method was used. The method of data analysis was thematic analysis (basic, organizing and inclusive themes). The findings showed that the philosophical mindset among university professors has four dimensions of awareness and concentration, creativity and innovation, connection with culture and art, values and ethics, and the dimension of awareness and concentration has three components of mastering philosophical knowledge with 4 indicators. Having a unique point of view with 3 indicators was the ability to convey concepts with 3 indicators. The dimension of creativity and innovation had three components: innovative thinking with 4 indicators, connection between disciplines with 3 indicators, critical thinking with 4 indicators. Next was the connection with culture and art with a component of cultural thinking with 1 index. Also, the dimension of values and ethics had four components of ethical thinking with 3 indicators, ethical research with 15 indicators, interaction with values with 11 indicators and moral abilities with 9 indicators.

Key words: Philosophical Mentality, Creativity and Innovation

¹ MA in History and Philosophy of Education, Islamic Education, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

² Professor, Department of Curriculum Planning, Faculty of Humanities, Shahid Rajaee University, Tehran, Iran (corresponding author)

³ Assistant Professor, Department of School and Educational Innovations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran